

## خطبه های نماز جمعه مورخه 1396/01/25

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبا و حبيب اله العالمين الذي سمى في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم ونفسي بتقوى الله و اتباع امره و نهى. خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

قدم اول عملی برای کسب فضیلت و قدم عملی راه سعادت که تخلیه است، خود این مرحله موانع و آفاتی دارد که برای پاک نمودن نفس از رذائل و پستی ها باید آن موانع را برطرف کرد. از جمله موانع تخلیه این است که انسان آن قدر خود را دوست دارد و به نوعی خودبین و خود پرست است که جتی اعمال زشت خود را نیز بسیار زیبا و پسندیده می داند. قرآن این چنین افرادی را جزء زیانکاران می داند و می فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا»<sup>۱</sup> بگو که آیا می خواهید شما را بر زیانکارترین مردم از حیث عمل، آگاه سازیم؟

کسی که در تجارت سود ببرد آن را ربح می گویند و کسی که به کمتر از قیمت بفروشد آن را خسران می گویند و کسی که ورشکسته شود و اصل سرمایه اش از دستش برود آن را اخسر می گویند. حالا قرآن می فرماید آیا می خواهید من شخص اخسر را به شما معرفی کنم که نه تنها سودی در تجارت نبرده است بلکه اصل سرمایه اش نیز از دست رفته است؟ آنگاه این افراد را این گونه معرفی می کند: «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»<sup>۲</sup> آنها کسانی هستند که تمام اعمالشان در این دنیا گم شد و عمرشان نه تنها به بطالت گذشت بلکه بدر از آن گناه و معصیت را خود و طاعت دانستند.

اینها کارهای زشت انجا می دهند ولی آن کارزشت را پسندیده می دانند. امروز در جامعه ما این خصلت بسیار شایع است و به همین دلیل نیز نصایح اثر نمی گذارد. شراب می خورد و نوازندگی می کند نه تنها این کارها را خود و مظهر تمدن می داند و مخالفین خود را یک دسته انسانهای احمق می پندارد. با لباس نازک و بدن نما در مجامع عمومی ظاهر می شود و کشف حجاب می کند و این کار را تمدن تلقی می کند و زنان محجبه را افراد عقب مانده می داند. چنین اشخاصی به این زودی نمی توانند موعظه بپذیرند و پند گیرند و هدایت شوند.

این گونه افراد تا فکرشان عوض نشود و به قباحت کارشان متوجه نشوند قابل هدایت نیستند. و پس از این که متوجه قباحت کارشان شدند، آنوقت نوبت به این می رسد که خود را از آن آلودگیها نجات دهند.

مانع دیگر تخلیه این است که گاهی انسان یک نقص اخلاقی یا اعتقادی دارد ولی خودش متوجه نیست. مثلا حسود است ولی خودش نمی داند و یا متکبر است آن را توجیه می کند و یا طماع است ولی خود را طمع کار نمی داند و یا نفس توجیه گر آن آنقدر قوی است که هر کارش را توجیه می کند. چنین انسانی نیز چون در خود نقصی نمی داند فلذا برای رفع آن همت نمی کند. این مانع هم در انسانها شایع است.

مانع سوم سختی کار است. توضیحش این است که نفس انسان هرکاری را مدت زمانی انجام دهد به آن عادت می کند و ترک عادت بر وی سخت می شود خصوصا این که اگر آنچه که به آن عادت کرده است ظاهر زیبا و لذیذ باشد. مانند معتاد به تریاک و مواد مخدر و سیگار می شود که ترکش بر وی سخت است. مثلا به دروغ گفتن عادت دارد و آنقدر عادت کرده است که اصلا بدون

<sup>۱</sup> . كهف (۱۸) : ۱۰۳

<sup>۲</sup> . همان ۱۰۴

دروغ سخن گفتن بر وی سخت می شود. یا بر رابطه نامشروع بر جنس مخالف عادت کرده و یا بر ارضاء شهوت از غیر اسباب شرعی عادت نموده است و یا کسی است که بر دزدی و یا سخن چینی عادت نموده است. چنین افرادی برای تخلیه خود باید اطن عادات ناپسند را ترک نمایند که در بدو امر سخت است.

رفع این موانع وقتی سخت می شود که با منافع انسان گره بخورد. می بیند اگر من خودم را بخواهم پاک کنم باید از سود سرشاری که از فلان راه غیر مشروع بدست می آورم، محروم سازم و این سخت است. و یا از فلان سرمایه ای که از راه حرام جمع کرده ام باید دست بردارم. و دست کشیدن از این سرمایه برایش فوق العاده سخت است. به همین دلیل می گویند برداشتن وزنه‌ی 200 کیلوئی، هنر نیست هنر این است که هنگام صبح لحاف دو کیلوئی را کنار بزنی و برای نماز صبح بلند شوی. غلبه بر رقیب در کشتی، هنر نیست بلکه هنر این است که بر نفست غلبه کنی.

تخلیه نفس از رذائل این سختی ها را دارد و باید آن را جدی گرفت و بر آن هزینه گذاشت تا راه بعدی برای کسب فیوضات الهی باز شود.

### خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون ولا يحصى نعمائه العادون ولا يؤدى حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم ولا يناله غوص الفطن ثم الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين الذي سمى في السماء باحمد وفي الارضين بابي القاسم محمد اللهم صل على علي اميرالمؤمنين وعلي فاطمه سيده النساء العالمين وعلي الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وعلي علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجه القايم المنتظر عجل الله تعالى فرجه وجعلنا من اعوانه وانصاره والمستشهدين بين يديه

اسغفرالله لي و لكم من جميع الذنوب والآثام و اتوب اليه

امام علي عليه السلام فرمودند: «ثلاث علامات للمُرئي: يَنْشِطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ وَ يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ»<sup>3</sup> ریاکار را سه نشانه است:

1- هرگاه مردم را ببیند، به نشاط می آید

2- هرگاه تنهاست، بی حال و تنبل است

3- و دوست دارد که در همه کارهایش، او را ستایش کنند.

### روز ارتش جمهوری اسلامی و نیروی زمینی

29 فروردین روز ارتش جمهوری اسلامی و نیروی زمینی است. بنده این روز را به ارتش جمهوری اسلامی تبریک می گویم و از زحمات آنها تشکر و قدردانی دارم. ارتش ما بحمدالله با دو ویژگی اقتدار و مکتبی بودن در تأمین امنیت کشور نقش بسزائی داشته است.

### ملاک ارزشگذاری حکومت و فرد

اگر بخواهیم برای یک فرد و یک حکومت ارزشگذاری کنیم و قیمت و وزن آن را بدانیم با چه ملاکی باید آن را بسنجیم؟ از نظر قرآن، معیار ارزش فرد و امت و حکومت عمل به قرآن است. در خصوص فرد این آیه شریف محفوظ همگان است که فرمود:»

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ<sup>4</sup> گرامی ترین شما در نزد خدا آن کسی است که بیشترین تقوا را دارد. کسی که در نزد خدا ارزش دارد او واقعا قیمت بالائی دارد ولو در ظاهر هیچ بضاعت مادی نداشته باشد و هرکس در نزد خدا آبرو ندارد او بی ارزش است ولو تمام دنیا در ید قدرت او باشد. فرعون و قارون که یکی قدرت سیاسی داشت و دیگری ثروت ناتمام در نزد خدا ارزش نداشتند ولی اباذر که در بیابان ربنده در فقر کامل از دنیا رفت، در نزد خدا ارزش داشت.

اگر به قرآن عمل می شد زندگی ما خیلی با وضع فعلی تفاوت داشت.

اگر هرکس به آیه «کلو و اشربوا ولا تسرفوا» توجه می کرد دیگر به اندازه نیازش غذا می خورد و پرخوری نمی کرد.

اگر هرکسی به آیه «وقولوا لناس حسنا» توجه می کرد: دیگر عصبانی نمی شد و دیگر دعوا و بدگویی در جامعه وجود نداشت.

اگر هرکس به آیه «ولا تمش فی الارض مرحا» توجه می کرد دیگر کسی برای جلب توجه بر زمین راه نمی رفت.

اگر هرکسی به آیه «ولا تومنوا الا لمن تبع دینکم» توجه می کرد دیگر در مقابل اروپا و آمریکا و کافران احساس ضعف نمی کردیم و تقلید کورکورانه از لباس و فرهنگشان نمی کردیم.

اگر هرکس به آیه «رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکرالله و اقام الصلاه . . .» عمل می کرد دیگر هنگام اذان بازارها از مردم خالی می شد و همه به صف نماز می ایستادند. تا جایی که دیگر جایی برای نماز خواندن نمی ماند و نمازگزاران به نوبت نماز می خواندند یا صف ها به خیابان کشیده می شد.

اگر هر زنی به آیه «ولا یدین زینتهن الا لبعولتهن» عمل می کرد دیگر زنی بدون چادر بیرون نمی آمد و برای غیر شوهرش آرایش نمی کرد.

اگر هرکسی به آیه «و اغضض من ابصارهم» عمل می کرد دیگر کسی به نامحرم نگاه نمی کرد.

اگر هر دختر و پسر نوجوانی به آیه «ولیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله» عمل می کرد دیگر به بهانه نداشتن موقعیت ازدواج گناه نمی کردند و صبر می کردند تا خدا از فضلش به آنها همسری بدهد.

اگر هرکس به آیه «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین ءامنوا لهم عذاب الیم» توجه می کرد دیگر کسی دوستش را به گناه دعوت نمی کرد و برای هم فیلم و عکس نامشروع نمی فرستاد تا علاوه بر خودشان دیگران را فحشا ببرند.

خدای متعال خطاب به اهل کتاب می فرماید: «یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوراه و الانجیل و ما انزل الیکم من ربکم»<sup>5</sup> ای اهل کتاب شما هیچ ارزشی ندارد مگر این که تورات و انجیل و آنچه از جانب خدا بر شما نازل شده است اقامه کنید و دستورات آنها را در جامعه اجراء کنید.

این سخن گرچه خطاب به اهل کتاب است ولی مختص آنان نیست بلکه ارزش مسلمانان نیز در عمل به قرآن است و اگر به دستورات قرآن عمل نکنند هیچ ارزشی از نظر خدای متعال ندارند. و خدای متعال خطاب به همان اهل کتاب فرموده است: «و لو انهم اقاموا التوراه و الانجیل و ما انزل الیهم من ربهم لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم»<sup>6</sup> و در جای دیگر نیز فرموده است «لو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاحذناهم بما کانوا یکسبون»<sup>7</sup>

۴ . حجرات ۱۳

۵ . مائده (۵): ۶۸

۶ . مائده (۵): ۶۶

۷ . اعراف (۷): ۹۶

این سخن خداست که هم سعادت دنیا و معیار ارزشگذاری انسان را بیان کرده است و هم راه سعادت دنیوی انسان را نشان داده است.

ما در کشورمان بعد از صدها سال انقلاب کردیم و انقلاب ما نیز نه انقلاب صنعتی بود و نه سیاسی بلکه اعتقادی بود که انقلاب صنعتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز به دنبال خود آورد.

انقلاب ما اسلامی بود یعنی تحولی در وجود ما به وجود آمد که اعتقادات، اخلاق و احکام اسلامی بر ما حاکم شد. و همین تحل در اعتقاد و ایمان مردم نه تنها ارزش آنها را در نزد خدا بالا برد بلکه در همین دنیا نیز ما را عزت و قدرت و پیشرفت در ابعاد مختلف بخشید.

تا اعتقادمان، اخلاقمان اسلامی است انقلابی و اسلامی هستیم ولی اگر باورمان، ایمانمان در اقتصاد، سیاست و فرهنگ، اسلامی نباشد ما انقلابی نیستیم. این که مقام معظم رهبری انقلابی بودن و انقلابی ماندن را مکرر توصیه می کند، انقلابی بودن بدون توجه به ارزشهای الهی و احکام اسلامی ممکن نیست. باید مجلس و دولت همان طوری که برای توسعه عمرانی کشور برنامه و طرح و اعتبار سالانه در نظر می گیرد، برای اسلامی کردن ادارات و نهادها نیز برنامه داشته باشد.

مراد از اسلامی کردن ادارات و نهادها این است که آنچه که در عمل خلاف اسلام است ولو لباس قانون به تن داشته باشد باید اصلاح شود. باید بانکهای ما اسلامی باشد که هنوز اسلامی نشده است.

مدیریت بیت المال باید اسلامی باشد که فعلا نیست. نه مصرفش و نه توزیعش. باید نظارت دقیق بر استفاده از بیت المال انجام گیرد و در توزیع آن بین استانها و شهرها عدالت رعایت شود.

تعدادی از مسئولین ما به مرور زمان مسلمان سکولار شده اند. دم از اسلام و جمهوری اسلامی می زنند ولی در عمل سکولار عمل می کنند.

مصادیق سکولار عمل کردن این است که در گزینش افراد، وابستگی سیاسی بیش از واجبات و محرمات الهی ملاک و معیار قرار می گیرد. جذب نیروها نه براساس تخصص و شایستگی بلکه براساس وابستگی به گروه خاص، انجام می گیرد. قدرت طلبی جای خدمت جوئی قرار می گیرد. دنیا طلبی، اخلاص را کم رنگ می کند. ترس از مردم جای ترس از خدا را می گیرد.

ما از گرایشهای اسلامی به سمت لیبرالیسم حرکت می کنیم. برای این که از مردم رأی بگیریم نه واقعیتها را در نظر می گیریم و نه خدا را بلکه می خواهیم سخنی بر زبان جاری کنیم که مردم را قانع کنیم به ما رأی دهند و به وعده های خود پایبند نیستیم چون اصلا یا هنگام وعده دادن تصمیم اجرای آن را نداشتیم یا چیزهایی را وعده داده ایم که عملی نبوده است. برای کسب قدرت همدیگر را خراب می کنیم. همه اینها یعنی کم رنگ شدن ارزشهای الهی یعنی دنیایی کردن حکومت و جدایی دین از سیاست.

اگر بخواهیم حکومت ما اسلامی علوی باشد و اگر بخواهیم انقلابی بمانیم باید مردم مسئولیت را به کسانی بدهند که در درجه اول با تمام وجود به اسلام عمل کنند و اعتقاد داشته باشند. وابسته به هیچ حزبی نباشد چرا که «کل حزب بمالذیهم فرعون» هرکس مصلحت حزب خود را در نظر می گیرد نه مصلحت کشور یا مردم را.

حکومت ما بدون ولایت مشروع نیست. هیچ مسئولی بدون تنفیذ مقام ولایت شرعا و قانونا حق حکومت و دخالت در امور کشور ندارد. باید با رای مردم یا بدون رأی مردم از ناحیه ولی فقیه اجازه تصرف در امور مملکت را اخذ کند. در چنین حکومتی باید همه مردم و مسئولین مطیع دستورات رهبری باشند. یعنی ولایتمدار باشند. و در ولایتمداری تنها شعار دادن کافی نیست بلکه باید عملا اطاعت پذیری را اثبات کنیم.

تبعیت از ولی فقیه تنها سیاسی نیست بلکه اعتقادی و از مهمترین احکام اسلامی است. رئیس جمهور در چهار چوب قانون تا

جایی آزاد است که عمل کند ، مقام معظم رهبری اظهار نظر نکرده است وقتی ایشان نظراتشان را فرمودند دیگر جای چون و چرا نیست بلکه جای اطاعت است. رئیس مجلس و نمایندگان تا جایی که رهبری نظر نداده اند آزادند ولی وقتی مقام معظم رهبری مقصدی را نشان دادند و راه آن را بیان کردند باید اطاعت کنند.

وقتی از روزنامه‌نگار برجسته و روشنفکر نامدار مصری آقای محمدحسین هیکل در خصوص ایران می‌پرسند، می‌گوید: «آنچه حاصل عمر و مطالعات من است این است که ما اهل سنت از نعمت ولی فقیه محرومیم اما من معتقدم شما هم این نعمتی که دارید را متوجه آن نیستید، ما بسیاری از مشکلاتی که در مصر و جهان عرب و غیره داریم، معلول نداشتن ولی فقیه است و شما بسیاری از مشکلاتتان که حل شده و مشکلات روزمره ما را ندارید و از آن طرف روزه‌روز در دنیای اسلام و منطقه و در دنیا سرفراز می‌شوید، به‌خاطر این است که بالای سر شما یک ولی فقیه است.»

باید هر سال حکومت اسلامی را خانه‌تکانی کنیم و دقیقاً بررسی کنیم که در کجای این نظام ، احکام اسلامی دقیقاً عمل نشده است و مورد غفلت قرار گرفته است آنجا را ترمیم کنیم و با طرح‌های علمی اجرای احکام اسلامی را در آن بخشها تقویت کنیم.